

سنجش شاخصهای توسعه‌یافتگی در استانهای کشور طی سال‌های 1383 تا 1388

جواد اطاعت¹: دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

عبدالرضا شجاعی‌نسب: کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

واقعیت این است که هر چند اجرای برنامه‌های پنج ساله توسعه در ایران از سال 1368 تا سال 1388 با توفیقاتی همراه بوده است؛ اما نتیجه اجرای برخی برنامه‌ها، موجب بروز عدم تعادل‌های منطقه‌ای در بسیاری از مناطق جغرافیایی کشور (بویژه مناطق مرکزی در قیاس با مناطق پیرامونی)، شده و این اتفاق، نه تنها کیفیت زندگی مردمان کشور را به شدت کاهش داده، بلکه باعث بروز مسائل زیادی در حوزه‌های مختلف شده است. از جمله برنامه‌های یاد شده می‌توان به برنامه چهارم کشور اشاره کرد که به دلیل ضعف و ناکارآمدی روش‌های مدیریتی، موجب گسترش ناپایداری در بسیاری از بخش‌های کشور شده است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از شاخص‌های مختلف توسعه (شاخص‌های اقتصادی-زیربنایی و اجتماعی-فرهنگی) به منظور مقایسه سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور انجام شده است. گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای بوده و در تحلیل داده‌ها از مدل تاکسونومی عددی استفاده شده است. در طراحی نقشه‌های موضوعی نیز از نرم‌افزار GIS بهره گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که: ارزیابی فرآیند توسعه در استان‌های مختلف ایران به صورت تطبیقی بیانگر عدم توازن توسعه‌یافتگی در آنها بوده و شکاف توسعه در برنامه چهارم توسعه در مقایسه با برنامه سوم نه تنها ترمیم نشده؛ بلکه روند افزایشی نیز داشته است.

واژه‌های کلیدی: سیاستگذاری دولت، توسعه یافتگی، برنامه‌های پنج ساله، ایران.

¹. نویسنده مسئول: J_etaat@sbu.ac.ir 09121052092

بیان مسأله:

آنچه که امروزه دولت‌ها با آن مواجه هستند، روند روبه رشد ناپایداری‌ها در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی سرزمین است. رشد جمعیت و شهرنشینی از یکسو و ناکارآمد بودن روش‌های مدیریتی از سوی دیگر از جمله علل ناپایداری‌های یاد شده است. در گذار زمان، رویکردهای مختلفی در جهت حل مسائل ملل مطرح شده است که از جمله مهم ترین آنها، رویکرد توسعه پایدار است که در دهه 1970م. در کنفرانس برانت لندن استکهلم مطرح شد. در حقیقت، این رویکرد بر توسعه اقتصادی همزمان با رعایت عدالت اجتماعی و حفاظت از ارزش‌های محیطی تأکید داشت. نگاهی بر برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که در برخی از برنامه‌های یادشده، موفقیت‌هایی در حوزه های مختلف حاصل شده است، اما متأسفانه برخی دیگر از برنامه‌ها، نه تنها موفق نبوده‌اند، بلکه موجبات ناپایداری‌های گسترده در سطح سرزمین نیز شده است. از جمله برنامه‌های یادشده، می‌توان به برنامه چهارم توسعه اشاره کرد که عدم تعادل‌های منطقه‌ای، و رشد فقر و نابرابری در سطح کشور از نتایج عمده آن محسوب می‌گردد. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که متأسفانه مسأله ناپایداری منتج از برنامه چهارم کشور نه به دلیل رشد جمعیت، بلکه در اثر ضعف و ناکارآمدی الگوهای مدیریتی رخ داده است و این مسأله، موجب بروز مسائل متعدد در حوزه‌های اقتصادی، محیطی و اجتماعی در کشور شده است. در این پژوهش به مقایسه سطح توسعه یافتگی استان‌های کشور در طول برنامه چهارم، و همچنین مقایسه این برنامه با برنامه سوم توسعه پرداخته شده است؛ تا از این طریق، به تبیین روند و شکاف توسعه در سطح سرزمین اقدام گردد.

مبانی نظری:

تاکنون تعاریف مختلفی از واژه «توسعه» مطرح شده است، که از آن جمله می‌توان به تعریف گرت نیگل¹ اشاره نمود. وی معتقد است که توسعه، به پیشرفت در چند حوزه اشاره دارد که این حوزه‌ها شامل موارد زیر هستند:

- ثبات جمعیتی از قبیل کنترل زادوولد و افزایش امید به بقا؛
- پیشرفت‌های اقتصادی از قبیل رشد در تولید ناخالص داخلی، رشد در میزان درآمد ناخالص ملی، یا برابری قدرت خرید؛
- توانمندسازی اجتماعی از قبیل عدالت در حقوق زنان، بهبود روابط، و مشارکت بیشتر در فرایندهای سیاسی.

توسعه بر بهبود آزادی‌های فردی، کیفیت زندگی، و نظایر اینها نیز تأکید دارد (Nagle, 2005: 2). گولت² نیز سه جزء

اساسی را در تعریف توسعه مهم می‌داند:

1. تأمین نیازهای پایه زندگی؛ شامل مسکن، پوشاک، تغذیه و آموزش‌های اولیه؛
2. عزت نفس؛ شامل احساس کرامت و استقلال؛
3. آزادی؛ شامل توانایی برای انتخاب سرنوشت خود (Gulet, 1971: 3).

در گذار تاریخ، دولت‌ها رویکردهای مختلفی برای رشد و توسعه سرزمین‌هایشان استفاده کرده‌اند که در مواقعی حفاظت محیط زیست و در مواقع دیگر توسعه انبوه اقتصادی در اولویت قرار داشت. طی سده گذشته، شهری شدن انبوه و صنعتی شدن گسترده از چالش‌ها و مسائل عمده دولت و کشورها محسوب می‌گردید، به گونه‌ای که طی چهار دهه اخیر، رشد آلودگی‌ها و ناپایداری‌ها، کشورها را مجبور به بازنگری در روش‌ها و طرح ایده‌های نو کرد. ایده توسعه پایدار که در حقیقت اعتراضی به روش‌های پیشین مدیریتی محسوب می‌گردد، به دنبال توسعه اقتصادی و اجتماعی، همزمان با ملاحظات زیست محیطی می‌باشد. به بیان دیگر، در توسعه پایدار اصل بر این است که منابع طبیعی پایه به گونه‌ای محافظت شوند که نسل‌های آینده حداقل به اندازه نسل‌های کنونی از این منابع برخوردار شوند (Connelly Smith, 1999: 2). توسعه پایدار مفهومی است که همه زوایای زندگی انسان و نسل‌های آینده را در برمی‌گیرد (شکوئی، 1382: 268). و دستیابی به آن مستلزم ایجاد تغییر در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری، سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییرات نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار

¹ . Garrett Nagle

² . Goulet

باشد. به عبارت دیگر مستلزم صرفه‌جویی در منابع کمیاب و تدبیر بسیار در استفاده از منابع فراوان و تجدیدپذیر است (نونزاد، 1379: 19).

اصل پایه در توسعه پایدار، پذیرفتن رویکرد جامعی است که پیامدهای توسعه‌ای و محیطی هر فعالیت و فرایندی را در بستر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی مشخص کند (Sharpley, 2002: 339). با پذیرفتن چنین رویکردی، می‌توان به ظرفیت‌سازی دراز مدت برای بقای محیط زیست و رعایت اصل عدالت درون نسلی و بین نسلی در دسترسی به منابع اقدام نمود. چنین توسعه‌ای به دنبال بهبود کیفیت زندگی تمام افراد، تأمین نیازهای پایه آنها، اعطای آزادی‌های سیاسی به همگان و تحقق توسعه از درون اجتماعات می‌باشد. اهداف عمده پایداری را نیز می‌توان در استفاده حداقل از منابع طبیعی تجدیدناپذیر، استفاده پایدار از منابع تجدیدپذیر، سطوح جمعیت پایدار، و تولید آلودگی در حد ظرفیت محیطی جستجو نمود. برای رسیدن به چنین شرایطی باید به انجام اقداماتی چون اخذ پارادایم‌های اجتماعی جدید مرتبط با زندگی پایدار؛ توسعه سیستم‌های عادلانه سیاسی و اقتصادی ملی؛ حمایت از سیستم‌های تکنولوژیکی سازگار با محیط؛ و شکل‌گیری اتحاد ملی به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های توسعه یکپارچه در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی پرداخت (Streeten, 1997: 19). بدیهی است بهره‌گیری از رویکرد توسعه پایدار می‌تواند عاملی برای پیشرفت‌های مستمر اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست باشد. بدین ترتیب با استفاده از این رویکرد در تحقیق حاضر، تلاش می‌گردد ابعاد مختلف اجتماعی- فرهنگی؛ اقتصادی- سیاسی؛ و انسانی- محیطی همزمان مورد توجه قرار گیرد تا ایده آل توسعه پایدار و همه‌جانبه در کشور محقق گردد.

روش تحقیق:

این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از شاخص‌های توسعه به منظور مقایسه سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور انجام می‌پذیرد. روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای بوده و داده‌های مورد نیاز نیز از داده‌های مرکز آمار، اسناد، مقالات و قوانین کشور اخذ شده‌اند. در تجزیه و تحلیل اطلاعات و تعیین درجه توسعه یافتگی استان‌ها از مدل تاکسونومی عددی بهره‌گیری شده است. برای استانداردسازی، داده‌های مورد نیاز هر شاخص از داده‌های مرکز آمار ایران استخراج و سپس با استفاده از نرم‌افزار Excel تبدیل به سرانه شده‌اند و از این طریق درجه توسعه یافتگی هر استان تعیین گردیده است. سپس برای مقایسه شهودی، نتایج کار به صورت نمودارهای مختلف و (با کمک نرم‌افزار GIS) به صورت نقشه‌های موضوعی (در 5 سطح توسعه‌یافتگی) نشان داده شده است. جامعه آماری شامل تمام استان‌های ایران است که بر اساس شاخص‌های مندرج در جدول شماره 1 مورد مطالعه قرار گرفته‌اند:

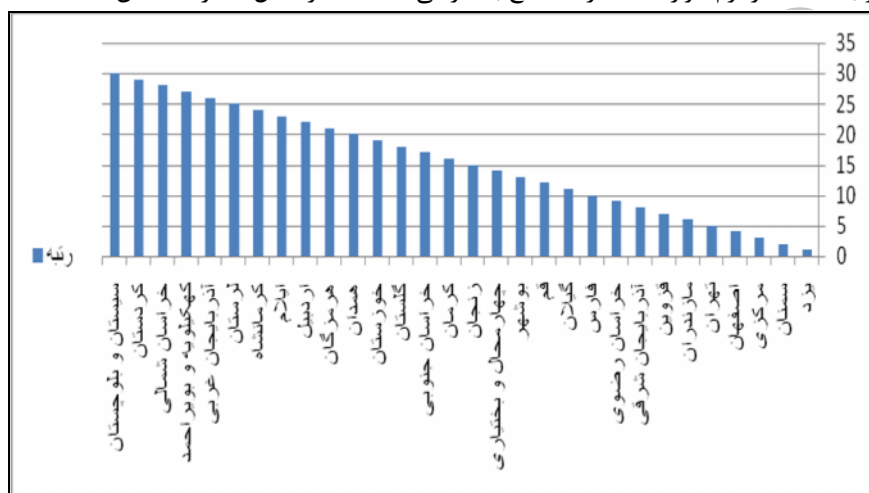
جدول 1 مواد و شاخص‌های استفاده شده در تحقیق

ردیف	نوع شاخص‌ها	انواع داده‌ها
1	شاخص‌های اقتصادی زیر بنایی	میزان درآمد؛ تعداد کارگاه‌های صنعتی بیش از 10 نفر کارکن؛ نرخ بیکاری؛ نرخ مشارکت اقتصادی؛ تعداد کارکنان کارگاه‌های صنعتی بیش از 10 نفر کارکن به ازای هر 1000 نفر؛ تعداد شاغلین بخش معدن در هر 1000 نفر؛ درآمدهای استانی (میلیون ریال)؛ تعداد انشعاب آب در هر 1000 نفر؛ تعداد انشعاب گاز در هر 1000 نفر؛ تعداد مشترکین برق در هر 1000 نفر؛ تعداد تلفن همراه در هر 1000 نفر؛ و طول راه‌های کشور (در هر 100 کیلومتر مربع)
2	شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی	تعداد افراد تحت بیمه تامین اجتماعی در هر 1000 نفر؛ سرانه کتابخانه به ازای هر 100000 نفر؛ سرانه دادگاه به ازای هر 100000 نفر؛ سرانه سینما به ازای هر 100000 نفر؛ سرانه تخت به ازای هر 100000 نفر؛ تعداد خانه‌های بهداشت به ازای هر 10000 نفر جمعیت؛ سرانه پزشک در هر 1000 نفر؛ نرخ با سواد؛ نرخ با سواد زنان؛ تعداد دانشجو در هر 1000 نفر؛ شاخص آموزش؛ و شاخص امید به زندگی.

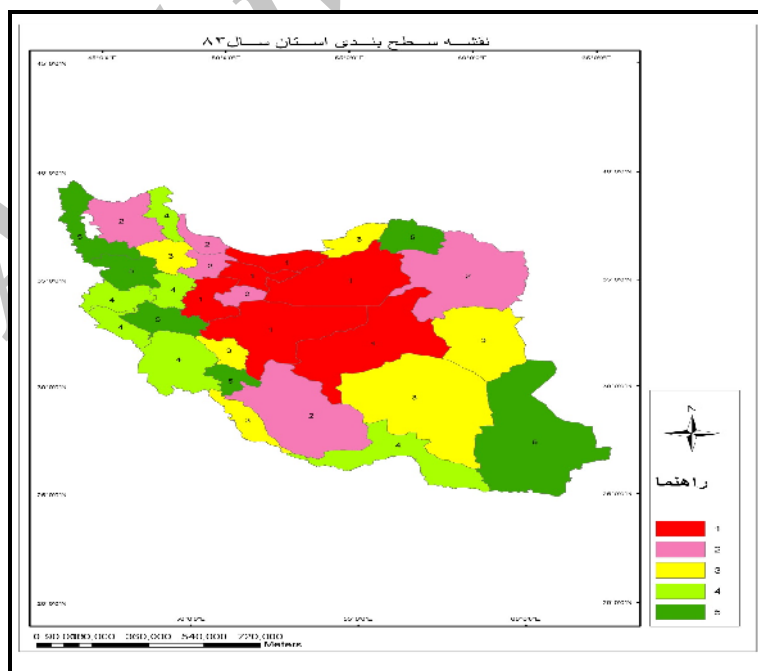
یافته های تحقیق:

الف) سطح بندی توسعه یافتگی استانهای کشور در پایان برنامه سوم توسعه (1383):

بر اساس نتایج به دست آمده از رتبه بندی استانهای کشور در پایان برنامه سوم توسعه (1383) مشخص می شود که استان یزد در بین 30 استان کشور با درجه توسعه یافتگی 0.70558 رتبه اول و سیستان و بلوچستان با درجه توسعه یافتگی 0.82411 در رتبه سی ام جای گرفته اند. لازم به ذکر است در مدل تاکسونومی هرچه درجه توسعه یافتگی به صفر نزدیکتر باشد سطح توسعه یافتگی بیشتر و هرچه به عدد یک نزدیکتر باشد یا از آن بیشتر باشد، سطح توسعه یافتگی پایین تر است. همانطور که نمودار 1 نشان می دهد استان یزد با فاصله نسبتاً زیادی از استانهای بعد آن مانند سمنان، مرکزی و اصفهان فاصله گرفته است. در این مقطع استان تهران با درجه توسعه یافتگی 0.74435 در رتبه پنجم قرار دارد. مضافاً اینکه طبقه بندی استانهای کشور با استفاده از نرم افزار GIS در 5 سطح به شرحی است که در شکل شماره 1 نشان داده شده است.



نمودار 2 رتبه بندی توسعه یافتگی استانهای کشور در پایان برنامه سوم توسعه (1383)



شکل 1 سطح بندی توسعه یافتگی استانهای کشور در پایان برنامه سوم توسعه (1383)

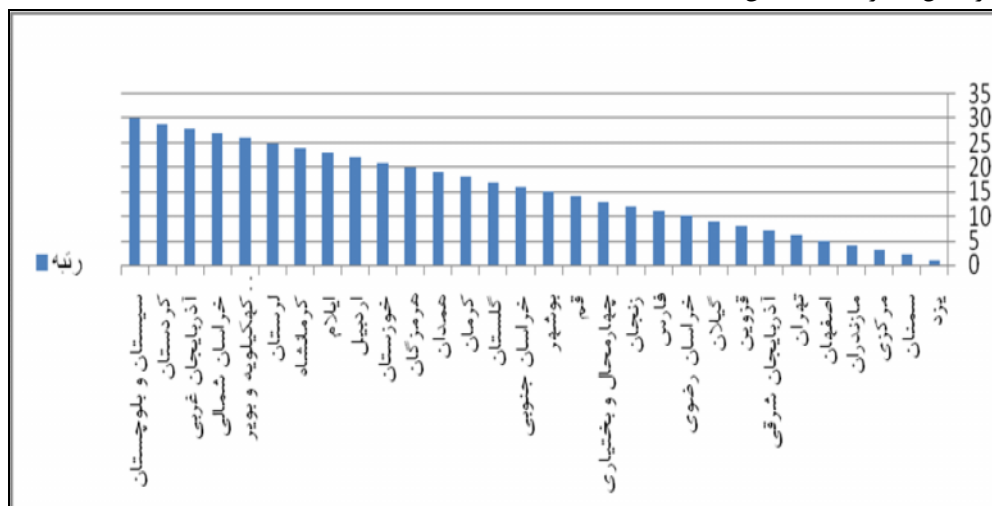
جدول 2 رتبه بندی توسعه یافتگی استانهای کشور در پایان برنامه سوم (1383)

رتبه	درجه توسعه یافتگی در شاخص های اجتماعی - فرهنگی	استان	رتبه	درجه توسعه یافتگی در شاخص های اقتصادی - زیربنایی	استان	رتبه	درجه توسعه یافتگی در مجموع	استان
1	0.6605	سمنان	1	0.7529	تهران	1	0.7056	یزد
2	0.6693	یزد	2	0.7544	اصفهان	2	0.7229	سمنان
3	0.6924	مرکزی	3	0.7647	یزد	3	0.7351	مرکزی
4	0.7458	مازندران	4	0.7786	مازندران	4	0.7372	اصفهان
5	0.7536	قزوین	5	0.7870	آذربایجان شرقی	5	0.7444	تهران
6	0.7549	اصفهان	6	0.7884	خراسان رضوی	6	0.7448	مازندران
7	0.7560	بوشهر	7	0.7885	سمنان	7	0.7626	قزوین
8	0.7624	تهران	8	0.7899	قزوین	8	0.7626	آذربایجان شرقی
9	0.7675	هرمزگان	9	0.7933	مرکزی	9	0.7637	خراسان رضوی
10	0.7690	چهارمحال و بختیاری	10	0.7958	فارس	10	0.7676	فارس
11	0.7694	خراسان جنوبی	11	0.7984	گیلان	11	0.7691	گیلان
12	0.7713	زنجان	12	0.8035	قم	12	0.7719	قم
13	0.7720	آذربایجان شرقی	13	0.8070	زنجان	13	0.7730	بوشهر
14	0.7722	قم	14	0.8118	کرمان	14	0.7732	چهارمحال
15	0.7725	فارس	15	0.8130	گلستان	15	0.7735	زنجان
16	0.7726	خراسان رضوی	16	0.8157	خوزستان	16	0.7795	کرمان
17	0.7727	گیلان	17	0.8157	بوشهر	17	0.7806	خراسان جنوبی
18	0.7728	کرمان	18	0.8170	آذربایجان غربی	18	0.7815	گلستان
19	0.7746	کهگیلویه	19	0.8172	چهارمحال	19	0.7822	خوزستان
20	0.7780	ایلام	20	0.8186	همدان	20	0.7841	همدان
21	0.7785	خوزستان	21	0.8192	خراسان جنوبی	21	0.7866	هرمزگان
22	0.7788	همدان	22	0.8198	اردبیل	22	0.7895	اردبیل
23	0.7793	کرمانشاه	23	0.8267	خراسان شمالی	23	0.7914	ایلام
24	0.7808	گلستان	24	0.8296	کرمانشاه	24	0.7916	کرمانشاه
25	0.7842	لرستان	25	0.8304	کردستان	25	0.7944	لرستان
26	0.7893	اردبیل	26	0.8308	لرستان	26	0.7976	آذربایجان غربی
27	0.7984	کردستان	27	0.8311	هرمزگان	27	0.7986	کهگیلویه
28	0.8017	خراسان شمالی	28	0.8327	ایلام	28	0.7995	خراسان شمالی
29	0.8080	آذربایجان غربی	29	0.8414	کهگیلویه	29	0.8002	کردستان
30	0.8312	سیستان و بلوچستان	30	0.8439	سیستان و بلوچستان	30	0.8241	سیستان و بلوچستان

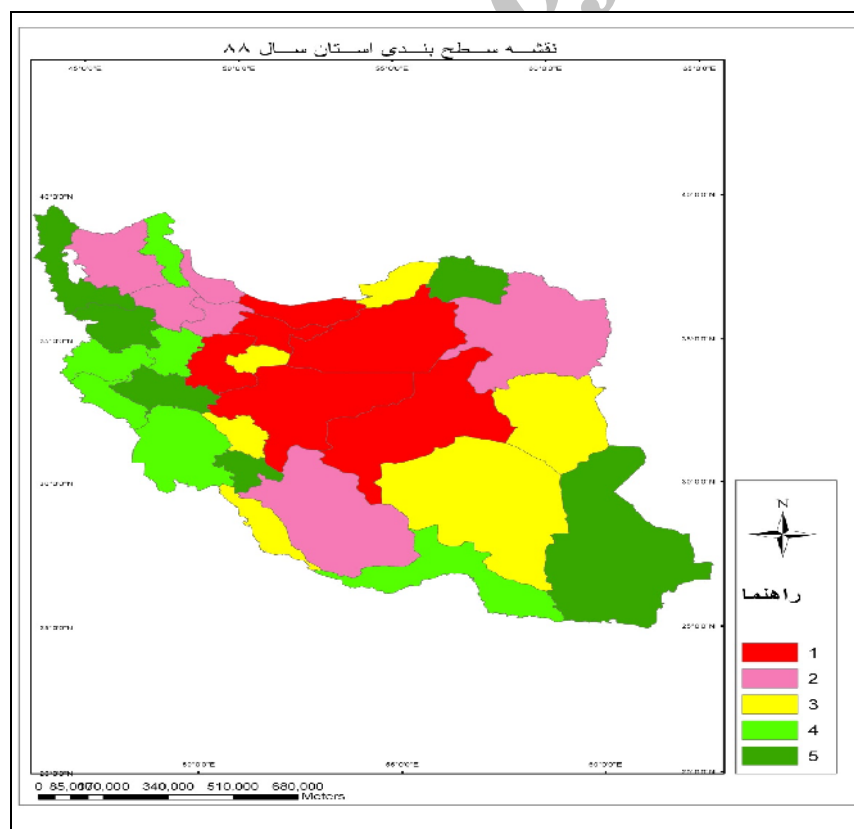
منبع: یافته های تحلیلی تحقیق، 1391.

ب) سطح بندی توسعه یافتگی استانهای کشور در پایان برنامه چهارم (1388):

با توجه به داده های جدول شماره 3 و نمودار شماره 2، در مقطع زمانی سال 1388 یعنی در پایان برنامه چهارم توسعه استان یزد با درجه توسعه یافتگی 0.66338 در رتبه نخست و استان سیستان و بلوچستان با درجه توسعه یافتگی 0.81355 در رتبه آخر قرار دارد. در این مقطع نیز حاصل طبقه بندی استانهای کشور با استفاده از نرم افزار GIS در 5 سطح آورده شده است که در شکل شماره 2 به نمایش گذاشته شده است.



نمودار 2 رتبه بندی توسعه یافتگی استانهای کشور در پایان برنامه چهارم (1388)



شکل 2 نقشه سطح بندی توسعه یافتگی استان های کشور در پایان برنامه چهارم توسعه (1388)

جدول 3 رتبه بندی توسعه یافتگی استانهای کشور در پایان برنامه چهارم (1388)

رتبه	درجه توسعه یافتگی در شاخص های اجتماعی- فرهنگی	استان	رتبه	درجه توسعه یافتگی در شاخص های اقتصادی- زیربنایی	استان	رتبه	درجه توسعه یافتگی در مجموع	استان
1	0.6576	سمنان	1	0.8827	یزد	1	0.6634	یزد
2	0.6664	یزد	2	0.8862	اصفهان	2	0.6866	سمنان
3	0.6894	مرکزی	3	0.8863	سمنان	3	0.7096	مرکزی
4	0.7432	مازندران	4	0.8932	مرکزی	4	0.7222	مازندران
5	0.7510	آذربایجان شرقی	5	0.8949	تهران	5	0.7247	اصفهان
6	0.7523	اصفهان	6	0.8955	آذربایجان شرقی	6	0.7381	تهران
7	0.7535	تهران	7	0.8969	مازندران	7	0.7439	آذربایجان شرقی
8	0.7599	قزوین	8	0.9003	قزوین	8	0.7485	قزوین
9	0.7650	بوشهر	9	0.9004	خراسان رضوی	9	0.7494	گیلان
10	0.7665	هرمزگان	10	0.9008	گیلان	10	0.7514	خراسان رضوی
11	0.7669	خراسان جنوبی	11	0.9019	قم	11	0.7515	فارس
12	0.7689	زنجان	12	0.9019	خوزستان	12	0.7524	زنجان
13	0.7695	خراسان رضوی	13	0.9023	کرمان	13	0.7534	چهارمحال و بختیاری
14	0.7697	قم	14	0.9027	زنجان	14	0.7536	قم
15	0.7700	فارس	15	0.9029	فارس	15	0.7553	بوشهر
16	0.7701	چهارمحال	16	0.9048	گلستان	16	0.7585	خراسان جنوبی
17	0.7702	گیلان	17	0.9051	آذربایجان غربی	17	0.7628	گلستان
18	0.7704	ایلام	18	0.9052	همدان	18	0.7630	کرمان
19	0.7722	کهگیلویه بویراحمد	19	0.9057	اردبیل	19	0.7661	همدان
20	0.7756	کرمان	20	0.9065	چهارمحال	20	0.7694	هرمزگان
21	0.7761	خوزستان	21	0.9076	بوشهر	21	0.7707	خوزستان
22	0.7764	همدان	22	0.9081	ایلام	22	0.7724	اردبیل
23	0.7769	کرمانشاه	23	0.9085	کرمانشاه	23	0.7740	ایلام
24	0.7784	گلستان	24	0.9092	هرمزگان	24	0.7752	کرمانشاه
25	0.7819	لرستان	25	0.9098	خراسان جنوبی	25	0.7787	لرستان
26	0.7870	اردبیل	26	0.9100	لرستان	26	0.7824	کهگیلویه و بویر احمد
27	0.7962	کردستان	27	0.9102	کردستان	27	0.7825	خراسان شمالی
28	0.7995	خراسان شمالی	28	0.9119	خراسان شمالی	28	0.7830	آذربایجان غربی
29	0.8058	آذربایجان غربی	29	0.9137	کهگیلویه و بویر احمد	29	0.7859	کردستان
30	0.8292	سیستان بلوچستان	30	0.9227	سیستان و بلوچستان	30	0.8136	سیستان بلوچستان

منبع: یافته های تحلیلی تحقیق، 1391.

تجزیه و تحلیل یافته ها:

در پایان برنامه سوم توسعه (1383) استان یزد با درجه توسعه یافتگی 0.70558 در رتبه اول و استان سیستان و بلوچستان با درجه توسعه یافتگی 0.82411 در رتبه سی ام جای داشتند و فاصله توسعه یافتگی استان اول با استان آخر برابر با 0.11853 بود. در پایان برنامه چهارم توسعه استان یزد همچنان با درجه توسعه یافتگی 0.66338 در رتبه نخست و استان سیستان و بلوچستان با درجه توسعه یافتگی 0.81355 در رتبه آخر قرار دارد که فاصله درجه توسعه یافتگی دو استان 0.15017 شده است و این نکته نشانگر آن است که گرچه وضع هر دو استان نسبت به مقطع قبل از لحاظ درجه توسعه یافتگی بهتر شده است و این رقم کاهش یافته است ولی در عمل فاصله دو استان از لحاظ توسعه بیشتر شده است به عبارت دیگر اینگونه می توان گفت که فاصله توسعه یافتگی دو استان یزد و سیستان و بلوچستان به عنوان استان های دارای رتبه اول و آخر در هر دو مقطع زمانی پایان برنامه سوم توسعه و پایان برنامه چهارم توسعه افزایش یافته است. همچنین در سال 1388 استان یزد ضمن آنکه همچنان در رتبه اول قرار دارد فاصله خود را با استان دوم یعنی استان سمنان نیز به اندازه ای افزایش داده است. فاصله این دو استان در پایان برنامه سوم 0.0173 بوده است در حالی که این رقم در سال 1388 به 0.023 رسیده است و این نکته نشان دهنده استحکام موقعیت یزد به عنوان رتبه اول و تثبیت وضع موجود در بین رتبه اول و دوم می باشد.

بطور کلی با مقایسه درجه توسعه یافتگی استانها در پایان برنامه سوم و چهارم توسعه مشخص می شود که درجه توسعه یافتگی تمامی استانها در پایان برنامه چهارم نسبت به پایان برنامه سوم بهتر شده است یعنی این عدد به صفر نزدیکتر شده است ولی مسئله قابل توجه علاوه بر افزایش فاصله استان اول و آخر این می باشد که هیچ تغییری در رتبه استان های اول، دوم و سوم یعنی استانهای یزد، سمنان و مرکزی رخ نداده است و این مسئله تاحدودی در مورد استانهای انتهایی کشور نیز صادق می باشد به طوری که جایگاه دو استان انتهایی کشور یعنی کردستان و سیستان و بلوچستان در پایان دو دوره تغییری پیدا نکرده است. همچنین علاوه بر این 5 استان نامبرده موقعیت 4 استان اردبیل، ایلام، کرمانشاه و لرستان نیز ثابت بوده است. در نهایت تغییرات رخ داده مهم دیگر در جایگاه استانها به شرح ذیل است:

در سطح یک در سال 1388 استان جدیدی وارد نشده است و همه 6 استانی که در سال 1383 در این سطح بودند باز هم در سطح یک باقی مانده اند. تنها نکته قابل توجه در این سطح تغییر رتبه استان تهران با مازندران است. استان تهران در سال 1383 در رتبه پنجم قرار داشت ولی در سال 1388 در رتبه ششم قرار می گیرد. در سطح دوم در سال 1388 علاوه بر جایجایی هایی در رتبه استانها در همین سطح یک تغییر دیگری نیز اتفاق افتاده است و آنهم تغییر سطح استان قم با استان زنجان است. یعنی استان قم که در سال 1383 در سطح دو قرار داشت به سطح سوم انتقال یافته است و استان زنجان که در این سال در سطح سوم قرار داشت به سطح دو انتقال یافته است. در سطح سوم نیز به غیر از انتقال استان زنجان به یک سطح بالاتری جایجایی سطح توسعه استانها مشاهده نمی شود ولی تغییراتی در رتبه استانها مشاهده می گردد. در سطح چهارم تغییری در سطوح استانها نسبت به سال 1383 رخ نداده است و تنها جایگاه سه استان همدان، هرمزگان و خوزستان از لحاظ رتبه تغییر کرده ضمن آنکه جایگاه سه استان دیگر که در نیمه پایین این سطح قرار دارند، یعنی استانهای ادبیل، ایلام و کرمانشاه از لحاظ رتبه ای تغییر پیدا نکرده است. در نهایت آنکه در سطح پنجم نیز تغییرات فقط در حد جابه جایی رتبه ها بوده و جایجایی استانها به سطح بالاتر مشاهده نمی باشد. در این سطح استان آذربایجان غربی با دو پله صعود وضعیت بهتری نسبت به بقیه استانها دارد. (جدول شماره 4).

جدول 4 فاصله درجه توسعه یافتگی استان اول (یزد) با استان های رتبه های پایین تر در دو مقطع پایان برنامه های سوم (1383) و برنامه چهارم (1388)

فاصله توسعه یافتگی استان با استان یزد در سال 1388 نسبت به سال 1383	پایان برنامه سوم توسعه (1383)	پایان برنامه چهارم توسعه (1388)	فاصله درجه توسعه یافتگی با یزد استان
افزایش یافته	0.057	0.0804	آذربایجان شرقی
افزایش یافته	0.08396	0.10899	اردبیل
افزایش یافته	0.0858	0.1105	ایلام
افزایش یافته	0.06741	0.09119	بوشهر
افزایش یافته	0.06761	0.09001	چهارمحال و بختیاری
افزایش یافته	0.0749	0.09513	خراسان جنوبی
افزایش یافته	0.0851	0.08797	خراسان رضوی
افزایش یافته	0.09395	0.1191	خراسان شمالی
افزایش یافته	0.0765	0.1073	خوزستان
افزایش یافته	0.06793	0.0893	زنجان
افزایش یافته	0.06199	0.08816	فارس
افزایش یافته	0.05702	0.0851	قزوین
افزایش یافته	0.06627	0.09024	قم
افزایش یافته	0.07391	0.09966	کرمان
افزایش یافته	0.08603	0.11171	کرمانشاه
افزایش یافته	0.09301	0.11289	کهگیلویه و بویراحمد
افزایش یافته	0.07592	0.09939	گلستان
افزایش یافته	0.06353	0.08601	گیلان
افزایش یافته	0.08879	0.1153	لرستان
افزایش یافته	0.78664	0.7694	هرمزگان
افزایش یافته	0.07853	0.10273	همدان

منبع: تحلیل نگارندگان، 1391.

مشاهده می‌شود که علی‌رغم افزایش درجه توسعه یافتگی تمامی استانها در سال 1388 نسبت به سال 1383 شکاف توسعه بین این استانها با استان اول به کشور نیز افزایش یافته است. همچنین در همین راستا مقایسه فاصله توسعه یافتگی سه استان اول با سه استان آخر نیز این نکته را تأیید می‌کند.

نتیجه‌گیری:

توسعه به معنای گذر از وضع موجود برای دستیابی به وضع مطلوب و تلاش برای بهبودی زندگی، همزاد تاریخ جامعه بشری است، اما توسعه به مفهوم امروزی آن که بیشتر یک مفهوم مقایسه‌ای است از جمله مفاهیمی است که پیش از هر موضوع دیگری در نیم قرن اخیر مورد بحث محافل قرار گرفته است. بنابراین توسعه در تعاریف جدید مفهومی فراتر از رشد می‌باشد و تحولات کیفی و ساختاری متفاوت از گذشته را می‌طلبد. در واقع کمیّت بیشتر از آنچه که هست به تنهایی مورد نظر نبوده و کیفیت جدیدی به سوی آنطور که باید باشد، هدف گیری می‌شود. در این پژوهش با استفاده از شاخص‌های اقتصادی زیربنایی و اجتماعی و فرهنگی در دو مقطع پایان برنامه سوم توسعه (1383) و پایان برنامه چهارم توسعه (1388) مورد بررسی قرار گرفت تا میزان توسعه یافتگی استانهای کشور و تأثیر این برنامه‌ها در توسعه یافتگی استانهای کشور مورد ارزیابی قرار گیرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که: سطح توسعه و درجه توسعه یافتگی استانها در پایان برنامه چهارم توسعه بیشتر از پایان برنامه

توسعه شده است و در این راستا اجرای برنامه توسعه تأثیری مثبتی داشته است و مطابق یافته‌های تحقیق درجه توسعه‌یافتگی تمامی استان‌ها نسبت به پایان برنامه سوم توسعه بیشتر شده است. اما نکته مهمی که قابل ذکر می‌باشد آن است که افزایش درجه توسعه‌یافتگی استان‌ها چندان موجب تغییر جایگاه رتبه بندی و سطح بندی استانها نشده است. مسئله دیگری در یافته های تحقیق به دست آمد که شایان توجه می‌باشد آن است که شکاف توسعه بین تمامی استانها افزایش یافته است. به عنوان مثال فاصله درجه توسعه یافتگی استان اول با تمامی استان‌های دیگر در پایان برنامه چهارم توسعه نسبت به پایان برنامه سوم توسعه بیشتر شده است.

منابع و مآخذ:

1. ازکیا، مصطفی (1377): جامعه شناسی و توسعه یافتگی روستایی ایران، انتشارات کیهان، چاپ پنجم، تهران.
2. ازکیا، مصطفی (1367): نظریه‌های توسعه نیافتگی، نامه علوم اجتماعی، شماره 1، تهران.
3. اطاعت، جواد (1371): توسعه سیاسی، نشر سفید، چاپ اول، تهران.
4. پردازی مقدم، سعیده و همکاران (1384): روشهای تحلیل چند متغیره و کاربرد آن در سطح بندی استانهای کشور، مؤسسه مطالعات پژوهشهای بازرگانی، چاپ اول، تهران.
5. تودارو، مایکل (1367): توسعه اقتصادی در جهان سوم، مترجم: غلامعلی فرجادی، نشر سازمان برنامه و بودجه، چاپ سوم، تهران.
6. زاهدی، شمس‌السادات (1386): توسعه پایدار، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
7. شکویی، حسین (1382): اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد 2، انتشارات مؤسسه گیتاشناسی، چاپ اول، تهران.
8. صرافی، مظفر (1377): مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی، چاپ اول، تهران.
9. مرکز آمار ایران (1388، 1386، 1387، 1385، 1384، 1383): سالنامه آماری کشور، تهران.
10. تونژاد، مسعود (1379): راهی به سوی توسعه پایدار، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره 131-132، تهران.
11. Nagle, Garrett. (2005) Access to Geography: Development. Routledge. London.
12. Smith, S. (1995) sustainability Analysis; A Handbook. Longman Group Limited. 2nd Edition. 21.
13. Streeten, P (1999); Boston University, Economic Development in third world, Boston University, Towards an Effective Urban Environmentalism for the 21s.